

نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از پیدایی تا استقرار کامل

محمداسماعیل خدادادی*

چکیده

سؤال اصلی مقاله حاضر این است که با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و ظهور نظام سیاسی جدید در قالب جمهوری اسلامی، چگونه این نظام مقدس توانسته است توطئه‌های رنگارنگ داخلی و خارجی را پشت سر بگذارد و در جهت تثبیت آن، تلاش‌های زیادی کند؟ به سبب اهمیت این موضوع، ابتدا به فعالیت‌هایی اشاره شده که برای استقرار نظام جمهوری اسلامی لازم و ضروری بوده است و در ادامه، موانع استقرار نظام بررسی شده است. توجه اساسی به کارهایی که باید در جهت استقرار صورت می‌گرفت، نشان می‌دهد این فعالیت‌ها پایه و اساس تحکیم نظام جمهوری اسلامی را تشکیل داده است و با رفع موانع، مخالفان جدی استقرار نظام اسلامی را ناکام گذاشته است.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، نظام جمهوری اسلامی، پیدایی، استقرار، فعالیت‌ها، موانع.

*. استادیار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی.

مقدمه

در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ پدیده‌ای به نام انقلاب اسلامی در ایران و ارایه نظام جدیدی به نام جمهوری اسلامی شکل واقعی گرفت که در داخل ایران و منطقه مهم خاورمیانه و نظام بین‌الملل، بازتاب‌های وسیعی در پی داشت. سقوط نظام شاهنشاهی در ایران و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی همراه با مشارکت وسیع مردم، به هم خوردن دکترین‌های امنیتی در خلیج فارس و خاورمیانه و به چالش طلبیدن ابرقدرت‌های شرق و غرب حوادثی بودند که با ظهور انقلاب اسلامی اتفاق افتاد. به اعتراف بسیاری از پژوهشگران، کمتر حوادث و انقلاب‌هایی مانند انقلاب اسلامی با چنان شدتی جهان را تکان داد. (امیراحمدی، ایران پس از انقلاب: ۱۲)

طبیعی است که به سبب عمیق بودن این تحول در ایران، از پیدایی تا استقرار کامل، تحولاتی در مسیر استقرار نظام اسلامی و رفع موانع ایجاد شده در دو سطح داخل و خارج روی داده است. سؤال اصلی در این مقاله، این است که برای استقرار و رفع موانع تثبیت نظام مقدس جمهوری اسلامی در ایران، چه فعالیت‌هایی صورت گرفت؟ همچنین در این راستا چه موانعی پشت سر گذاشته شد؟

فعالیت‌ها در مسیر استقرار نظام جمهوری اسلامی

اگر اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی را در سطح داخل، نفی استبداد، ایجاد حکومت مبتنی بر رأی مردم‌سالاری دینی، استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اجرای عدالت اجتماعی، اجرای قوانین و مقررات شرع مقدس اسلام، حفظ ارزش‌ها و کرامات والای انسانی، آزادی انسان همراه با مسئولیت او در برابر خدا، ایجاد محیط مناسب برای رشد فضایل اخلاقی، مبارزه با مظاهر فساد و تباهی و تأمین حقوق همه جانبه زنان و مردان این سرزمین با رعایت ارزش‌ها و کرامات انسانی و در سطح نظام بین‌الملل، نفی استعمار و سلطه خارجی، حمایت از مسلمانان و مظلومان و مستضعفان جهان، قدرت

نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از پیدایی تا استقرار کامل □ ۳

بخشیدن به اسلام و مسلمانان در سراسر جهان، گسترش فرهنگ اسلامی و اعتقادات دینی در سراسر جهان و ایجاد امت واحد اسلامی در دنیا بدانیم، باید بعد از پیدایی این نظام فعالیت‌هایی انجام شود که سرانجام به استقرار آن منجر شود. کارهایی که در راستای تحقق همین هدف انجام شد عبارتند از:

۱. تشکیل نهادهای مردمی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ضروری‌ترین اقدام برای استقرار نظام جمهوری اسلامی تشکیل نهادهای انقلابی و اسلامی بود تا در جهت تحقق آرمان‌های انقلاب فعالیت کنند. اولین نهاد مردمی در قالب کمیته‌های انقلاب اسلامی برای حفاظت از انقلاب اسلامی شکل گرفت که مهم‌ترین وظیفه آن دستگیری و مجازات جنایتکاران رژیم پهلوی و ضد انقلاب‌ها بود. این کمیته‌ها در مسجدها گردهم آمدند و براساس امر امام علیه السلام و یا نمایندگان امام علیه السلام برای نگرهبانی از حکومت نو پا ایفای نقش کردند. در ادامه، دادگاه‌های انقلاب اسلامی با فرمان امام ایجاد شدند که محاکمه و مجازات سران رژیم پهلوی و ضد انقلاب را برعهده گرفتند.

از دیگر نهادهای انقلابی که در سایه انقلاب اسلامی به وجود آمد، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. برای نگرهبندی از دستاوردهای انقلاب اسلامی، در دوم اردیبهشت ۱۳۵۸ بر اساس فرمان حضرت امام خمینی علیه السلام به شورای انقلاب اسلامی، نهاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به صورت رسمی تأسیس و اعلام موجودیت کرد. این مهم در قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل ۱۵۰ تثبیت شد و جایگاه ویژه‌ای یافت. از آن زمان تا استقرار نظام جمهوری اسلامی یعنی پایان جنگ تحمیلی عراق ضد ایران و تا به امروز نقش برجسته سپاه در سرکوب ضد انقلاب، جنگ تحمیلی (دفاع مقدس) و حضور در شهرها و حفظ امنیت داخلی به صورت هم زمان، بر کسی پوشیده نیست.

جهاد سازندگی که بعدها در وزارت کشاورزی ادغام شد با هدف فقرزدایی و سازندگی روستاها و مناطق محروم به وجود آمد که دستاوردهای بسیار مهمی را در عمران و آبادی

آن مناطق داشته است. این نهاد علاوه بر محرومیت‌زدایی از روستاها، در پشتیبانی دفاع مقدس نقش مهمی داشته است که به حق لقب «سنگ‌سازان بی‌سنگر» به آنها داده شد. در ادامه و در جهت استقرار هرچه بیشتر و مطمئن‌تر نظام جمهوری اسلامی، بسیج مستضعفین، کمیته امداد امام خمینی علیه السلام، نهضت سوادآموزی، بنیاد مستضعفان، بنیاد مسکن، شورای شهری و روستایی، بنیاد شهید انقلاب اسلامی از دیگر نهادهایی بودند که از سوی نیروهای انقلابی و اسلامی برای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی شروع به فعالیت کردند. (تقوی، انقلاب اسلامی در تئوری و عمل: ۱۹۲)

۲. انتخابات

انتخابات و رجوع به آرای مردم، یکی از نمادهای مهم و اصلی حکومت‌هایی است که مردم در شکل‌گیری آن حکومت‌ها نقش اساسی داشته‌اند. برگزاری یک انتخابات سالم و مردمی و احترام قایل شدن به آرا و عقاید مردم، نشانه‌ی جمهوریت نظام و اعتماد متقابل بین دولت و مردم و شرکت دادن مردم در اداره امور کشور است. امام خمینی علیه السلام درباره حضور تعیین کننده مردم در انتخابات فرمودند:

جمهوری اسلامی، حکومتی متکی بر آرای عمومی است. مملکت توسط نمایندگان واقعی مردم اداره می‌شود، مردم از طریق نمایندگان خود بر تمامی امور جامعه نظارت دارند و هیچ تصمیمی بدون مشورت مردم گرفته نمی‌شود. (امام خمینی، صحیفه نور: ج ۲، ۱۵)

بر همین اساس بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نهادهای مردمی، چندین انتخابات برای تعیین تکلیف نهاد و ساختارهای نظام جمهوری اسلامی برگزار شد. نظرخواهی از مردم در نوع حکومت، تأیید قانون اساسی، انتخابات خبرگان رهبری و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری و بازنگری قانون اساسی و شورای اسلامی از کارهای مهمی بود که نظام جمهوری اسلامی برای استقرار خویش از آنها بهره گرفت. برگزاری انتخابات به صورتی منظم حتی در دوره‌ای که ایران اسلامی درگیر

جنگ تحمیلی بود، اعتقاد عمیق نظام اسلامی به مشارکت سیاسی مردم را نشان می‌دهد. (وزارت کشور، مشارکت سیاسی، احزاب، انتخابات: ۱۱) این در حالی بود که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و در زمان پهلوی، انتخابات و توجه به آرای مردم، عملاً مفهوم واقعی نداشت. به راستی کدام نظام مدعی مردمی بودن، توانسته است در طی ۳۰ سال، این همه انتخابات با آرای مردم در کارنامه خود داشته باشد؛ آن هم انقلابی نوپا که با مشکلات و توطئه‌های عظیم داخلی و خارجی مواجه بوده است. (کیهان، فروردین ۱۳۷۱: ۲)

۳. تصویب قانون اساسی^۱

قانون اساسی «مجموعه قواعد و مقرراتی است که حاکم بر حکومت و صلاحیت قوای مملکت و حقوق و آزادی‌های فرد و جامعه و روابط فی مابین آنهاست. [این قانون] بیانگر حقوق و تکالیف تمامی افراد یک ملت و کشور است و صرف‌نظر از مقام یا حرفه یا شغل و موقعیت‌شان در این قانون سهیم می‌باشند.» (لنگرودی، ترمینولوژی حقوق: ۸۰) قانون اساسی را باید «میثاق ملی یا قرارداد اجتماعی که شهروندان ذی‌حق و آزاد یک کشور با اراده و اختیار خود از آن تبعیت می‌کنند، بدانیم.» (خدادادی، آشنایی با نظام جمهوری اسلامی ایران: ۱۲)

ایران برای نخستین بار در سال ۱۲۸۵ ه‍.ش با نهضت مشروطیت، صاحب قانون اساسی شد و در سال ۱۲۸۶ ه‍.ش متمم آن بر این قانون ضمیمه شد. از قانون اساسی مشروطه سلطنتی و متمم آن، بیش از ۷۲ سال نگذشته بود که با انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ ه‍.ش عمر آن به پایان رسید. اولین گام بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تشکیل نظام مقدس جمهوری اسلامی، شکل‌گیری قانون اساسی جمهوری اسلامی با زیر بنای اسلامی در سال ۱۳۵۸ ه‍.ش توسط خبرگان قانون اساسی بود. این قانون که بر اساس قرآن و سنت بود، توسط خبرگان قانون اساسی که بسیاری از مجتهدان عالی مقام

1. Constitutional.

عضو آن بودند، تهیه و تنظیم گردید و سرانجام در ۲۴ آبان سال ۱۳۵۸ هجری از تصویب خبرگان قانون اساسی گذشت و با تأیید امام خمینی علیه السلام به رفراندوم عمومی مردم گذاشته شد که با رأی مثبت ۹۹/۵ درصد شرکت کنندگان، مورد قبول مردم مسلمان ایران قرار گرفت. (عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج ۱: ۲۰۱)

البته بعد از گذشت قریب به ده سال از اجرای آن، بر اساس فرمان حضرت امام خمینی علیه السلام در ۲۴ اردیبهشت سال ۱۳۶۸ هجری، شورای بازنگری قانون اساسی تشکیل شد و در محدوده مقرر در آن زمان، نسبت به اصلاح بعضی از اصول قانون اساسی اقدام کرد و این اصلاحات در همه پرسى ۶ مرداد سال ۱۳۶۸ مورد تأیید نهایی قرار گرفت. این قانون مشتمل بر ۱۴ فصل و ۱۷۷ اصل می‌باشد.

۴. استقرار نظام سیاسی، قضایی و اقتصادی

کمتر از دو ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مردم مسلمان ایران، متناسب با شأن و جایگاه دین مقدس اسلام در ایران اسلامی، در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ با رأی قاطع خود به جمهوری اسلامی، نوع نظام دل‌خواه خود را تثبیت کردند. جمهوریت که از ارزش‌های سیاسی معاصر به حساب می‌آید، شکل و اسلامیت ماهیت آن را تشکیل داده است. استقرار رژیم سیاسی مبتنی بر خواست مردم و مطابق با ارزش‌های الهی، خواسته‌ها و نیازهای مشروع مادی و معنوی مردم را تضمین کرده است.

فلسفه قضا و قضاوت، پاسداری از حقوق مردم و پیشگیری از انحرافات اجتماعی است. بر این اساس بعد از شکل‌گیری نظام نوپای اسلامی، ایجاد سیستم قضایی عادلانه بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی در دستور کار قرار گرفت.

پیروزی انقلاب اسلامی به دوران حاکمیت سیاه، ظالمانه و نامشروع دستگاه قضایی

نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از پیدایی تا استقرار کامل □ ۷

پهلوی پایان داد و با تصفیه افراد ناباب در این نهاد، تلاش زیادی شد تا اوضاع قضایی دگرگون شود و به تعبیر مقام معظم رهبری، دفاع شجاعانه و قدرتمندانه از عدالت، تنها معیار قضا در نظام مقدس جمهوری اسلامی باشد. (کیهان، ۱۳۸۸/۴/۸: ۱۴)

از دیگر کارهایی که بعد از شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی به آن توجه جدی شد، استقرار نظام اقتصادی اسلامی بود؛ زیرا اقتصاد، بنیان زندگی مادی جامعه را تشکیل می‌دهد.

اقتصاد بیمار باعث ایجاد ناامنی و ناهنجاری‌های اجتماعی و به خطر افتادن عزت و کرامت انسان‌ها و جامعه می‌شود و زمینه انواع ناهنجاری‌ها، چالش‌ها و شورش‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد. نابسامانی اقتصادی، ضربه اصلی را به فرهنگ و باور مردم وارد می‌کند و ایمان افراد ضعیف را متزلزل می‌سازد. با علم به این خسارات جبران‌ناپذیر بود که جمهوری اسلامی نگاه ویژه‌ای به معیشت مردم داشته و دارد. اگر چه در دوران جنگ، ضربات سختی بر پایه اقتصادی کشور وارد شد.

پایه‌ریزی اقتصاد مبتنی بر قوانین اسلام، حمایت از اقشار محروم و مستضعف کشور، حمایت از تولیدات داخلی، خوداتکایی و خودکفایی در تولید بسیاری از محصولات صنعتی و کشاورزی، افزایش مهم صادرات غیر نفتی و تبدیل جمهوری اسلامی به یکی از قطب‌های مهم اقتصادی جهانی در صنعت نفت، پتروشیمی، گاز، سدسازی، تسلیحات، فولاد، آب و برق و خدمات فنی و عمرانی از کارهایی است که در جهت شکوفایی اقتصاد کشور صورت گرفت.

نظام جمهوری اسلامی توانست پس از پیروزی انقلاب اسلامی در کاهش وابستگی شدید به مواد اولیه، وابستگی به کالاهای سرمایه‌ای خارجی، وابستگی به تخصص‌های فنی و وابستگی شدید به اطلاعات و دانش فنی خارجی که تهدیدی برای صنعت کشور

است، اقدامات در خور توجهی انجام دهد.

۵. اصلاح سیستم اداری کشور

هر نظام سیاسی براساس اهداف و امکانات خویش، باید دستگاه اداری متناسبی را فراهم آورد و از مهم‌ترین ساختارهایی که باید در نظام جدید تغییر می‌کرد، سیستم اداری بود. انقلاب اسلامی ایران، وارث نظام اداری پهلوی و قاجار بود که با بیش از صد سال عمر، آمیزه‌ای از دیوان سالاری بومی و تکنوکراسی و بوروکراسی غربی بود که متناسب با مقتضیات رژیم پهلوی تأسیس شده بود. این نظام اداری از سال ۱۳۵۰ و با افزایش شدید پول نفت به شدت گسترش یافته بود و از یک بیماری پنهان در بین کارکنان خویش رنج می‌برد.

تشکیلات اداری دوران پهلوی تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی در ایران ۱/۶۰۰/۰۰۰ نفر کارمند رسمی داشت. چنانکه دستمزد این افراد، ۳۵ درصد کل تولید ناخالص ملی را شامل می‌شد. (برزین، زندگی‌نامه سیاسی بازرگان: ۲۷۵)

نظام اداری با چنین شکل و محتوا و مشکلات دیگری مانند انحصاری بودن مشاغل کلیدی به دست تعدادی از افراد و خانواده‌های معین که به هزار فامیل شهرت داشتند، عدم هماهنگی نظام اداری با نیازها، رشوه‌خواری و پارتی‌بازی، وجود مقررات دست و پاگیر و سوء استفاده صاحب منصبان از قدرت، نمی‌توانست متناسب با انقلاب اسلامی باشد، بلکه نیاز به دگرگونی و تغییرات وسیع داشت. بنابراین یکی از برنامه‌های نظام جمهوری اسلامی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، اصلاح ساختار دولتی و دستگاه‌های اداری بود.

در همین راستا، تصمیم گرفته شد در نظام اداری جدید، تشکیلات و ساختارهایی که مانع استقرار نظام بود، حذف و منحل شود و سازمان‌ها و اداراتی که وجود آنها لازم و ضروری بود تأسیس گردد؛ از این رو سازمان‌هایی مانند وزارت جهاد سازندگی، دیوان عدالت اداری، کمیته امام خمینی، دادستانی انقلاب و نهضت سواد آموزی تأسیس و

همچنین سازمان‌ها و تشکیلات موازی و هم‌عرض که هدف مشترکی داشتند، ادغام شدند.

اصلاح و بازسازی سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی، تقسیم کار بر اساس تخصص و تعهد و برگزاری دوره‌های آموزشی، برخورد با رشوه خواری و پارتی بازی در ادارات، تشکیل هسته‌های گزینش به منظور رسیدگی به سوابق و سوء پیشینه کارکنان، پاکسازی ادارات از افراد ناباب و جایگزین کردن نیروهای متعهد، کاردان و خوش سابقه، فراهم کردن رشد و دستیابی به پست‌های حساس و کلیدی برای همه طبقات جامعه و حذف قوانین و تشریفات دست و پاگیر از کارهایی بود که در جهت استقرار یک نظام الهی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی صورت گرفت. البته این اقدامات باید همواره برای اصلاح نظام اداری انجام شود که هنوز هم مورد نیاز جدی است.

۶. فعالیت در جهت فقرزدایی و نفی فساد و تبعیض

در حکومت اسلامی، عدالت در حوزه اجتماع و رفع فقر و محرومیت و نفی فساد و تبعیض از مهم‌ترین اصول حکومت‌داری است. اسلام در حوزه نظر و عمل، عدالت را به عنوان اصلی‌ترین محور در تشکیل حکومت و حاکمیت می‌داند. گفتمان عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری با نهضت امام خمینی علیه السلام در دهه ۱۳۴۰ آغاز شد؛ زمانی که جامعه در فقر و فساد و تبعیض می‌سوخت. از این مقطع، دور تازه‌ای از جنبش مبارزه با تبعیض و بی‌عدالتی در ایران آغاز شد؛ زیرا عدالت و مساوات از اساسی‌ترین شالوده‌های زندگی اجتماعی و همواره ترجیح بند سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امامان شیعه علیهم السلام، علما و اندیشمندان و از دغدغه‌های اصلی مردم بوده است.

مقام معظم رهبری در اهمیت بحث عدالت‌خواهی و مبارزه با فقر و فساد و تبعیض در نظام جمهوری اسلامی می‌فرماید:

مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت‌خواهی است. این پایه مشروعیت ماست. (محمدی، گامی به سوی دولت اسلامی: ۱۵۵)

ایشان در جایی دیگر می‌گویند:

عدالت اجتماعی، بدین معنی است که فاصله ژرف میان طبقات و برخورداری‌های نابحق و محرومیت‌ها از میان برود و مستضعفان و پاهنگان که همواره مطمئن‌ترین و وفادارترین مدافعان انقلابند، احساس و مشاهده کنند که به سمت رفع محرومیت، حرکتی جدی و صادقانه انجام گیرد. (کیهان، ۱۳۶۸/۴/۲۴)

مبنای نظام مقدس جمهوری اسلامی از ابتدای پیروزی، بر عدالت و رفع فقر و فساد و تبعیض بوده است. تحقق اقتصاد اسلامی بر محور عدالت اجتماعی و حاکمیت بخشیدن به قوانین اسلامی در قلمرو مسایل اقتصادی، از ارزش‌های کارگزاران مسلمان از همان بدو پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بوده است. حمایت از اقشار محروم و مستضعف جامعه، مقابله با فساد مالی و اقتصادی، توسعه شبکه آبرسانی و برقرسانی روستاها و مناطق محروم، بیمه خدمات درمانی روستاییان، تأسیس کمیته امداد امام خمینی علیه السلام، بنیاد مستضعفان و خدمات آن به محرومان و مستضعفین از جمله کارهایی بوده است که برای رفع فقر و محرومیت و تبعیض در سطح کشور انجام شد.

۷. توسعه فرهنگ انقلاب اسلامی

بدون تردید تکیه بر ارزش‌ها و اعتقادات دینی، مهم‌ترین هدف انقلاب اسلامی بوده و هست. به عبارت دیگر رمز پیروزی این انقلاب، حرکت به سوی حاکمیت ارزش‌هایی مانند جهاد و شهادت، اخلاص و توکل است. صبغه الهی و اسلامی انقلاب و سرمشق گرفتن از قیام امام حسین علیه السلام در روز عاشورا توسط توده‌های مسلمان به رهبری امام علیه السلام و حاکمیت نظام حکومت دینی، اولین گام در جهت استقرار نظام الهی ایران بوده است که علت العلل و رمز تداوم و استمرار و استقرار این انقلاب می‌باشد. این ریشه‌های دینی توانست تحولات بنیادین و عمیقی را در جامعه ما ایجاد کند و بنیان یک نظام معنوی بر پایه ارزش‌های اسلامی را بنا نهد.

از کارهای مهم انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی در حوزه فکر و اندیشه، از بین بردن خودباختگی و ایجاد روحیه خودباوری بوده است. این جمله درستی است که تا فکر و اندیشه اصلاح نشود، هیچ حرکت و تحول اساسی صورت نمی‌گیرد. اولین گام برای هر اصلاح و حرکت سازنده، اصلاح بینش و اعتقادات است. یکی از رنج‌های اساسی اجتماعی در دوران حاکمیت رژیم پهلوی، خودباختگی فرهنگی بود. فضای فرهنگی جامعه پهلوی القا می‌کرد که مردم از نظر فرهنگی حقیر و بی‌محتوا هستند و غرب دارای فرهنگ شایسته و متریقی و برتر است و مردم باید پیرو آن فرهنگ باشند. این خودباختگی فرهنگی در همه جای کشور اعم از دانشگاه‌ها، مدارس، و کارخانجات حاکم بود. بسیاری از مسئولان آن زمان فکر می‌کردند باید مانند غربی‌ها فکر کنند، لباس بپوشند و سخن بگویند، حتی نام فرزندانشان را باید از نام‌های غربی انتخاب کنند. غرب‌زدگی در تمام ابعادش بر تار و پود نظام پهلوی حاکم بود.

امام خمینی علیه السلام درباره نفوذ فرهنگ غرب در نظام پهلوی می‌فرمودند:

قصه این امر غم‌انگیز، طولانی و ضربه‌هایی که از آنان خورده و اکنون نیز می‌خوریم، کشنده و کوبنده است... نویسندگان و گویندگان غرب و شرق زده بی‌فرهنگ... رسوم و آداب اجنبی را هر چند مبتذل و مفتضح باشد با عمل و گفتار و نوشتار ترویج کرده و... آنها را به خورد ملت‌ها داده و می‌دهند. فی‌المثل اگر در کتاب یا نوشته یا گفتاری چند واژه فرنگی باشد، بدون توجه به محتوای آن با اعجاب پذیرفته و گوینده و نویسنده آن را دانشمند و روشنفکر به حساب می‌آورند... اگر واژه بومی و خودی به کار رود، مطرود و کهنه و واپس‌زده خواهد بود. کودکان اگر نام غربی داشته باشند، مفتخر و اگر نام خودی دارند، سر به زیر و عقب افتاده‌اند... (امام خمینی، وصیت نامه سیاسی - الهی: ۴۵)

پیروزی انقلاب اسلامی به دوران حقارت‌بار و خودباختگی دوران پهلوی پایان داد و مردم رشید ایران با رهبری روشنگرانه امام علیه السلام، به خودباوری فرهنگی و به این رشد و آگاهی رسیدند که خودباختگی فرهنگی، زمینه و ریشه بسیاری از وابستگی‌ها و مفساد

است، از این رو تکیه به فرهنگ خودی و اسلامی را عمیقاً باور کردند. این مسأله در استقرار نظام جمهوری اسلامی نقش اساسی داشته است.

اعتقاد به ایثار و گذشت، شهادت‌طلبی، خدمت به مردم، ترجیح دادن دیگران بر خود، تنفر از تشخص و خودستایی و شهرت و خودنمایی، ساده زیستی، معنویت‌گرایی، ایجاد روحیه ظلم‌ستیزی، حضور پرشور و گسترده مردم در صحنه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، نظامی و اقتصادی، تقویت روحیه مشارکت و مسئولیت‌پذیری مردم، رابطه نزدیک بین دولت و مردم، احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر و نظارت اجتماعی، مشارکت گسترده و پرشور مردم در انتخابات گوناگون، تقویت جایگاه مجلس در کشور، همه از مصادیق تحول فرهنگی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بود که حکایت از توسعه و فرهنگ انقلاب اسلامی دارد.

حضرت امام خمینی علیه السلام با خرسندی از تحولات بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

فرمودند:

این تحولی که الان در ایران پیدا شده است، اصلاً نظیر ندارد که در ظرف مدت کوتاهی یک ملتی که در فسادها زندگی می‌کند، یک دفعه متحول شوند. به اینکه داوطلب شوند برای جنگ، داوطلب شدند برای شهادت و خوشحالی می‌کنند. ... این تحول معجزه آسایی است که شده و امیدوارم که این تحول محفوظ باشد و مادامی که محفوظ باشد، آسیب نمی‌بیند اینجا و فرض کنیم که دخالت نظامی هم نکنند، هر کاری که بکنند، آسیبی نمی‌بینند. (امام خمینی، در جستجوی راه از کلام امام: ۸۵)

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با گسترش مراکز آموزشی و تربیتی، افزایش و گسترش کتب و نشریات متناسب با انقلاب اسلامی، تأسیس کتابخانه‌ها، دادن اطلاعات و آگاهی‌های سیاسی، نظامی و فنون رزمی و صنعتی به نسل جوان انقلاب، نقطه عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی برای رشد و گسترش فرهنگ انقلاب به شمار می‌آید.

۸. تنظیم سیاست خارجی

انقلاب اسلامی از ابتدا، بازتاب زیادی در فراسوی مرزها داشت و به لحاظ هوادارانی که

جلب کرده بود، قدرت‌های بزرگ و حکومت‌های منطقه آن را یک نیروی قابل محاسبه می‌دانستند. این انقلاب در اعتماد به نفس کلیه مسلمانان اعم از شیعه و سنی و بدون توجه به ملیت آنها، نقش زیادی داشت. تمام مسلمانان از مراکش گرفته تا اندونزی، پیروزی انقلاب اسلامی را در حکم پیروزی اسلام قلمداد کردند و چنین توانایی بالقوه اسلام در مبارزه تمام عیار علیه رژیم‌های فاسد و سلطه خارجی به اثبات رسید. (کدیور، آمریکا و رویارویی با انقلاب اسلامی: ۹)

با پیروزی انقلاب اسلامی، وابستگی به غرب، به ویژه آمریکا و عدم استقلال سیاسی به پایان رسید. ایران، استقلال واقعی خود را بازیافت و ریشه‌های وابستگی و تبعیت از قدرت‌های بزرگ را از هم گسست. این انقلاب که صبغه دینی داشت و دین اسلام خمیرمایه آن را تشکیل می‌داد، آینده‌ای را ترسیم می‌کرد که در آن رشته‌های وابستگی به بیگانگان را پاره کرده و اصل نه شرقی و نه غربی، جمهوری اسلامی را به عنوان مبنای روابط خارجی خویش قرار داده بود.

بدین ترتیب روابط خارجی ایران با کشورهای خارجی که در گذشته از آمریکا و انگلیس دستور می‌گرفت، بر پایه دین مقدس اسلام بنا شد. (فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲: ۴۸۶) همین حرکت سبب شد تا روابط با کشورهای زورگو و غارتگر به سردی گراید و روابط گسترده و دوستانه با کشورهای مستقل و مسلمان آغاز شود. روابط خارجی ایران با کشورهایی که به عنوان عامل عقب‌نگه داشتگی ایران مطرح بودند، جای خود را به روابط خارجی بر اساس منافع متقابل و عزت مسلمین و جهان اسلام داد. امام خمینی علیه السلام در این مورد فرمودند:

ما نه به سوی شرق و نه به طرف غرب گرایش نخواهیم داشت و می‌خواهیم یک جمهوری بی‌طرف و غیر متعهد باشیم. (امام خمینی، صحیفه نور: ج ۴، ۲۴۹)

حضرت امام خمینی علیه السلام که عهده‌دار رهبری و هدایت انقلاب اسلامی بودند، پس از

پیروزی انقلاب اسلامی برای نوسازی دیپلماسی، براساس اصول و ارزش‌های اسلامی بسیار تلاش کردند و در معرفی آن به مسئولان و گردانندگان جمهوری اسلامی، لزوم انطباق تصمیمات در عرصه سیاست خارجی با موازین و معیاری شرعی را گوشزد می‌کردند. ایشان همواره به مسئولان تاکید می‌کردند که:

سیاست نه شرقی نه غربی را در تمام زمینه‌های داخلی و روابط خارجی حفظ کنید و کسی را که خدای نخواست به شرق و یا غرب گرایش دارد هدایت کنید و اگر نپذیرفت او را منزوی نمایید. (امام خمینی، در جستجوی راه از کلام امام: ۲۴۵)

برهمن اساس در قانون اساسی جمهوری اسلامی، سیاست خارجی به شرح ذیل تعیین

گردید:

۱. سعادت انسان در کل جامعه بشری (اصل ۱۵۲)؛
۲. تنظیم سیاست خارجی بر اساس معیارهای اسلام (اصل ۳)؛
۳. طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب (اصل ۳)؛
۴. حمایت از مبارزات حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه جهان (اصل ۱۵۴)؛
۵. ائتلاف و اعتماد ملل اسلامی و وحدت جهان اسلام (اصل ۱۱)؛
۶. دفاع از حقوق همه مسلمانان جهان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر (اصل ۱۵۲)؛
۷. نفی هر گونه ستم‌گری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری (اصل ۲)؛
۸. روابط صلح آمیز متقابل با دول غیر محارب (اصل ۱۵۳).

از آنچه در قانون اساسی آمد می‌توان به اصل نفی سییل، (دهقان، پژوهشی پیرامون انقلاب اسلامی: ۵۲) تلاش در جهت تشکیل امت واحده جهانی، (محمدی، گامی به سوی دولت اسلامی: ۳۱ - ۳۲) اصل دعوت، (شکوری، فقه سیاسی اسلام: ۳۸۵) و حمایت از

نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از پیدایی تا استقرار کامل □ ۱۵

مستضعفین در قبال مستکبرین را از ویژگی‌های مهم و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی برشمرد که هر چه به سوی استقرار این نظام پیش رفتیم، تحقق عینی‌تری پیدا کرد.

این استراتژی سبب شد که نظام جمهوری اسلامی در دنیا نمونه باقی بماند. به تعبیر مقام‌معظم رهبری:

ملت ایران در هر قضیه مهم جهانی که با آن به طور جدی مخالف باشد، آن مسأله پیش نمی‌رود و متوقف می‌شود، امروز این ملت در مسایل مهم جهانی دارای یک رأی مهم است و جلوه ملت ایران به تدریج چشم‌ها را متوجه به خود کرده است. (اطلاعات، ۷۸/۱۱/۲۱)

بنابراین با اعلام اصول سیاست خارجی توسط جمهوری اسلامی بود که عملاً نظام دو قطبی حاکم بر جهان مورد چالش جدی قرار گرفت. از این رو قدرت‌های بزرگ اعم از شوروی سابق، آمریکا و تمام جهان‌خواران در مقابل آن احساس خطر کردند (زارع، آخرین انقلاب قرن، ج ۲: ۱۴۸) و در ادامه مسیر و استقرار آن توطئه‌های گوناگونی را برای فروپاشی آن برنامه‌ریزی کردند که به لطف خداوند همه آنها نقش بر آب شد.

۹. صدور انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران، همانگونه که حضرت امام خمینی علیه السلام پیش‌بینی می‌کرد، پس از استقرار پایه‌های حکومتی خود، نمونه‌ای تازه از حکومت را در چشم‌انداز جهانی عرضه کرد؛ چون این حکومت از سرچشمه زلال اندیشه سیاسی اسلام سیراب می‌شد، در زمان کوتاهی مرزهای محدود جغرافیایی را در نوردید و پیام اصلی انقلاب اسلامی ایران را به دورترین نقاط دنیا رساند. صداقت و خلوصی که در این اندیشه الهی نهفته بود، به زودی افراد بسیاری اعم از شیعه و سنی و حتی غیر مسلمانان را به سوی خود جلب و آنان را تهییج کرد تا برای به دست آوردن حقوق از دست رفته خود قیام کنند. در مجموع آنچه در ایران رخ داد، نه تنها فضای سیاسی منطقه بلکه جهان را

دستخوش تحول کرد. این تأثیر و تحول در نظام جهانی، در تثبیت و استقرار نظام جمهوری اسلامی به صورت مستقیم و غیر مستقیم نقش اساسی داشته است. پشتیبانی مسلمانان جهان و آزادی خواهان دنیا از انقلاب اسلامی را نمی توان انکار کرد. انقلاب اسلامی که نقطه آغاز خیزش تفکر اسلامی در دهه های پایانی قرن بیستم بود، آغاز رسالت مجدد اسلام را نشان می داد. بر همین اساس صدور ارزش های انقلاب اسلامی که برگرفته از اسلام ناب محمدی بود، یک جاذبه اسلامی در مردم سراسر جهان به وجود آورد. طرح وحدت جهان اسلام و سعادت بشر در دورترین نقاط عالم که جزو مهم ترین اهداف انقلاب اسلامی بود، بعد از یک دوره زمانی بسیار کوتاه به سراسر جهان اسلام از اندونزی تا شمال آفریقا و تمام جهان اسلام صادر شد. بعد از این واقعه امیدوارکننده بود که جهان اسلام به مستکبران عالم، نه گفت و بر ضد همه جهان خوران قیام کرد. این مسائل از صدور انقلاب اسلامی ایران حکایت می کرد.

تقویت هم گرایی اسلامی، ایجاد امید، اعتماد به نفس و روحیه خودباوری و خوداتکایی در میان ملت های اسلامی، دگرگون ساختن مبادلات ظالمانه سیاسی آمریکا با جهان اسلام و کشورهای مستقل، معرفی اسلام به عنوان بزرگترین عامل احیا کننده روح و تضمین کننده سعادت انسان ها و پی ریزی یک قطب جهانی در دنیای اسلام، همه از آثار صدور انقلاب اسلامی است.

صدور انقلاب اسلامی وسیله ای شد برای دفاع مسلمانان جهان از جمهوری اسلامی و این مسأله از توطئه های قدرت های بزرگ ضد انقلاب جلوگیری کرد. این حرکت در استقرار نظام اسلامی ایران نقش اساسی داشت.

۱۰. حضور فعال در سازمان های نظیر کنفرانس اسلامی و اوپک

در قرن بیستم علاوه بر دولت های مستقل، بازیگران دیگری هم وارد عرصه بین الملل شدند که تولد آنها از مظاهر سیاسی بین الملل در این قرن به شمار می آمد. از جمله این بازیگران، سازمان های بین المللی می باشند که کشورهای زیادی به آنها پیوستند. شکل گیری این سازمان ها برای نیل به تفاهم هرچه بیشتر در زمینه های سیاسی، اقتصادی

و فرهنگی و نظامی بوده است. ظهور سازمان‌هایی مانند جنبش عدم تعهد، کنفرانس اسلامی و اوپک در کنار سازمان ملل می‌توانست برای حل مشکلات موجود در سطح فراملی، امید بخش باشد. امید به این سازمان‌ها برای تبادل نظر و هم‌فکری در سطح جهانی می‌توانست، بخشی از نیازمندی‌های اعضا را بر طرف نماید و گوشه‌ای از مشکلات بین دولت‌ها را حل کند. از این رو بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی با حضور در همین سازمان‌ها، نه تنها توانست به منافع ملی خود بفزاید، بلکه با توجه به ارائه اندیشه نو و کارآمد، بر پویایی و فعال شدن این سازمان‌ها نقش اساسی داشته باشد. در ادامه برای نمونه حضور جمهوری اسلامی را در دو سازمان کنفرانس اسلامی و اوپک بررسی می‌کنیم.

الف) سازمان کنفرانس اسلامی

سازمان کنفرانس اسلامی که اکثر قریب به اتفاق کشورهای اسلامی عضو آن هستند، در سال ۱۹۶۹ به ابتکار پادشاه عربستان و در اولین جلسه سران کشورهای اسلامی در شهر رباط مراکش به صورت رسمی اعلام موجودیت کرد. آتش سوزی مسجد الاقصی در آن سال و اتحاد و وحدت بین کشورهای اسلامی از عوامل مهم شکل‌گیری این سازمان بود. بنابراین سازمان کنفرانس اسلامی از ابتدای پیدایی، مدعی برخورد با دشمنان جهان اسلام به ویژه صهیونیست‌های اسرائیل غاصب بوده است. همچنان‌که در پایان کنفرانس مراکش، اعلامیه‌ای توسط سران کشورهای اسلامی منتشر شد که در آن آمده بود:

دولت‌ها و ملت‌های آنها هر گونه راه حلی در مورد مسأله سازش را که متضمن بازگشت قدس به وضع پیش از ژوئن ۱۹۶۷ نباشد، را رد کنند. (آقای، ایران و سازمان‌های بین‌المللی: ۲۲۲)

ایران از همان ابتدای تأسیس سازمان کنفرانس اسلامی به عضویت آن درآمد و در تمام جلسات سازمان شرکت فعالی داشته است؛ زیرا ایران از جهت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و جمعیت و موقعیت ژئوپلتیک، برای این سازمان بسیار اهمیت داشت. رژیم پهلوی، همواره از این روابط برای تأثیرگذاری بر سازمان، به نفع کشورهای سلطه‌گر به

ویژه آمریکا استفاده می‌کرد، به گونه‌ای که مدافع جدی سیاست‌های آمریکا در کشورهای اسلامی بود. ایجاد رابطه با رژیم صهیونیستی در دوران پهلوی رخ داد که حضور ایران را در این سازمان، سخت تحت فشار سایر کشورهای اسلامی قرار می‌داد. (فوزی، سازمان کنفرانس اسلامی: ۱۳۱)

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و ایجاد چالش بین ایران و آمریکا و ارائه نظریه اسلام ناب محمدی ص بوسیله امام خمینی ره، سازمان کنفرانس اسلامی از حالت انفعال خارج شد و تا جایی پیش رفت که در اجلاس وزیران خارجه در اسلام آباد (۱۹۸۰م) با صدور قطعنامه‌ای، حمله آمریکا به ایران از طریق عملیات طبس را به شدت محکوم کرد. بعد از پایان جنگ عراق ضد ایران، در اجلاس ریاض (۱۹۸۹م)، سازمان کنفرانس اسلامی با همراهی اکثر کشورهای اسلامی و به دفاع از امام خمینی ره، سلمان رشدی، نویسنده کتاب آیات شیطانی را مرتد شناخت و اوج حمایت خود از مواضع ایران را نشان داد. با نگاهی اجمالی به مواضع سازمان کنفرانس اسلامی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در می‌یابیم که حضور انقلاب اسلامی، تأثیر زیادی در فعال کردن سازمان مذکور داشته است.

ب) سازمان اوپک

اوپک نام سازمانی است که بوسیله کشورهای صادرکننده نفت (ایران، عراق، عربستان سعودی، ونزوئلا و کویت) برای بالا بردن قیمت نفت و اتخاذ سیاست واحد در قبال کشورهای مصرف‌کننده نفت، در سال ۱۹۶۰م در کنفرانس بغداد بنیان نهاده شد. کشورهای مؤسس اوپک که در آن سال حدود ۹۰ درصد بازارهای نفت جهان را در اختیار داشتند، دو هدف عمده را برای ایجاد سازمان اوپک مطرح کردند:

۱. هماهنگ کردن سیاست‌های نفتی کشورهای عضو و تعیین مناسب‌ترین وسیله برای حفظ منافع فردی و گروهی اعضا در مقابله با کشورهای عمده مصرف‌کننده؛
۲. مشخص ساختن وسایل و روش‌های تثبیت و افزایش قیمت در بازار بین‌المللی نفت خام. (محتشم دولتشاهی، اقتصاد نفت اوپک و آینده آن: ۳۴) اگرچه اوپک برای احقاق

نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران از پیدایی تا استقرار کامل □ ۱۹

حقوق کشورهای صادر کننده نفت به وجود آمد ولی با توطئه‌های قدرت‌های بزرگ و حضور کشورهای طرفدار غرب مانند ایران و عربستان در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی عملاً این سازمان از رسیدن به اهدافش ناکام ماند.

این در حالی بود که ایران می‌توانست با داشتن ذخایر عظیم نفت در منطقه، بازیگر تعیین‌کننده‌ای در جهت ارتقای اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت باشد (مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران: ۵۷)، ولی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و اعلام سیاست‌های غرب‌ستیزی و حمایت از رشد و توسعه کشورهای صادرکننده نفت، ناگهان قیمت نفت تا حدود ۴۱ دلار افزایش یافت (حشمت‌زاده، اجلاس سران اوپک، فرصت‌ها و تصمیم‌ها: ۱۷ - ۲۰) و این ضربه سختی بر غارتگران انرژی دنیا به ویژه کشورهای غربی وارد آورد.

موانع موجود در مسیر استقرار نظام جمهوری اسلامی

انقلاب اسلامی از بدو پیدایی در قالب جمهوری اسلامی، تا مرحله استقرار، با حاکمیتی مبتنی بر آرمان‌های الهی از گذرگاه‌های دشوار عبور کرده است. در مرحله تثبیت، تحکیم و تداوم نظام حوادثی رخ داده است که از جهاتی بسیار اهمیت دارد، از یک سو افراد انقلابی - اسلامی در داخل و خارج مشتاقانه خواستار تحقق آرمان‌های انقلاب بودند و از سوی دیگر ضربه خوردگان از انقلاب اسلامی، در پی نابودی آن برآمدند.

جمهوری اسلامی بایستی مستقر می‌شد و با هر توطئه‌ای با قاطعیت برخورد می‌کرد تا به مردم مسلمان و انقلابی ثابت کند که از مسیر اصلی خارج نشده است و در راستای مسیر ترسیم شده توسط امام خمینی علیه السلام گام برمی‌دارد. در این بخش، موانع متعدد داخلی و خارجی در روند استقرار نظام جمهوری اسلامی بررسی می‌شود که با برداشتن این موانع، انقلاب توانست ادامه مسیر بدهد.

۱. دولت موقت

اولین دولتی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با فرمان امام خمینی علیه السلام به نخست وزیری مهندس مهدی بازرگان تشکیل شد، دولت موقت بود. امام خمینی علیه السلام در فرمان خود این مأموریت‌ها را برعهده دولت موقت گذاشت:

(الف) برگزاری رفراندوم برای تعیین نوع نظام حکومتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی؛

(ب) تشکیل مجلس خبرگان برای تهیه و تنظیم قانون اساسی؛

(ج) برگزاری انتخاب مجلس شورای اسلامی.

امام خمینی علیه السلام در همین فرمان، دولت موقت را از به کارگرفتن کسانی که گرایش‌های حزبی و گروهی داشتند منع کرد، ولی بازرگان از عمل به فرمان امام علیه السلام سر باز زد و بیشتر اعضای دولت را از بین اعضای نهضت آزادی و ملی‌گراها برگزید که اعتراض نیروهای انقلابی و حزب‌اللهی را به همراه داشت. هر چه بر عمر این دولت می‌گذشت، فاصله او با آرمان‌های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی بیشتر می‌شد.

دولت موقت از برخوردهای انقلابی با نیروهای طرفدار پهلوی و آمریکا به عنوان حامی دولت پهلوی در این سرکوب‌ها خودداری می‌کرد و در نامگذاری نظام سیاسی که امام خمینی علیه السلام و مردم مسلمان ایران از قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نام جمهوری اسلامی را برگزیده بودند، تلاش می‌کرد نظام جمهوری دموکراتیک را مطرح کند (اطلاعات، ۱۳۵۸/۱/۱۸) که با مخالفت امام (امام خمینی، در جستجوی راه از کلام امام: ۱۷۵) و نیروهای مسلمان مواجه شد.

عدم هماهنگی دولت موقت با ارزش‌های انقلاب، عدم تفاهم با رهبری انقلاب اسلامی، اعلام عدم رضایت از تصرف لانه جاسوسی، عدم هماهنگی با نهادهای انقلابی، از دست دادن پایگاه‌های مردمی، نزدیکی و برقراری ارتباط با آمریکا و قرار گرفتن در

جهت منافع آمریکا برای تحکیم موقعیت خود از عوامل سقوط دولت موقت به نخست‌وزیری بازرگان بود. (اسماعیلی، دولت موقت: ۲۲۶ - ۲۳۸) این موارد سبب شد امام خمینی علیه السلام رسماً از این دولت برائت بجوید. اشغال لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مسلمان خط امام، آخرین تیر خلاص بر پیکر دولت موقت بازرگان بود؛ زیرا فردای تسخیر لانه جاسوسی (چهارده آبان ماه ۱۳۵۸) مهندس بازرگان که احساس می‌کرد با افشای اسناد لانه جاسوسی، سیاست‌های دولت موقت افشا شود، از سمت خود استعفا داد که بلافاصله مورد پذیرش امام خمینی علیه السلام قرار گرفت. به این ترتیب پرونده دولت موقت که می‌رفت برای نظام نوپای جمهوری اسلامی صدمات جبران ناپذیری به همراه داشته باشد، توسط امام خمینی علیه السلام بسته شد.

۲. گروهک‌ها در مقابل انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ده‌ها دسته و گروه در نقاط مختلف کشور تشکیل شد که هر یک برای خود راه و هدفی غیر از هدف انقلاب اسلامی برگزید. امام خمینی علیه السلام با هوشیاری مثال‌زدنی تصمیم گرفت سلاح‌هایی که در دست مردم است، هر چه سریع‌تر به مساجد کشور باز گردد. برای این منظور کمیته‌های مردمی برای برقراری نظم و جمع‌آوری تسلیحات در مساجد کشور تشکیل شد. این کمیته‌ها بعدها کانونی برای شکل‌گیری بسیاری از نهادها و ارگان‌های انقلابی شد و خیلی زود توانست جای خالی قدرت نظامی را که با فروپاشی حکومت پهلوی اتفاق افتاده بود پر کند. (حشمت‌زاده، چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی: ۲۹۳)

از آنجا که رژیم پلیسی و دیکتاتوری شاه، سال‌ها با حمایت ابرقدرت‌ها به ویژه آمریکا حکومت می‌کرد و از طرفی دیگر، انقلاب اسلامی، انقلاب مردمی و دینی بود، بسیاری از جریان‌ها ضد انقلاب تصور می‌کردند ساختار جدید انقلاب اسلامی به علت کم‌تجربگی و نداشتن سازمان منسجم، پس از نابودی حکومت پهلوی در خلأ قدرت غرق خواهد شد. از

این رو تصمیم گرفتند بلافاصله بعد از سقوط شاه و خلأ قدرت در ایران و سردرگمی نیروهای مسلمان، خود زمام امور را به دست گیرند.

تحریک جریانات و گروهک‌های ضد انقلاب از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان راهبرد اساسی دشمنان داخلی و خارجی برای جلوگیری از استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی انتخاب گردید. در این شرایط سیاسی ایران، هر روز یک گروه و دسته برانداز در تمام نقاط ایران ایجاد می‌شد که در ادامه به تعدادی از این گروه‌ها اشاره می‌کنیم:

الف) گروه‌های مارکسیستی

اولین جریانی که بر اساس اندیشه‌های خویش نمی‌توانست شاهد استقرار جمهوری اسلامی باشد و استحکام آن را به منزله مرگ خود می‌پنداشت، جریانات و گروه‌های چپ الحادی (مارکسیستی) بودند که برای رسیدن به اهداف شوم خود، کردستان را برای ایجاد آشوب ضد انقلاب اسلامی انتخاب کرده بودند. این گروه‌ها از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، شعار تجزیه طلبی کردستان را مطرح کرده بودند. آنها با تصرف پادگان مهاباد و به دست آوردن سلاح‌های زیاد به شهر سنندج حمله و شهر را اشغال کردند. از این رو درگیری‌های خونینی میان نیروهای مسلمان و انقلابی و عناصر تجزیه طلب آغاز شد.

در کردستان دو گروه عمده یعنی حزب دمکرات و کومله، سردمدار شعارها ضد انقلاب اسلامی شدند. این در حالی بود که دولت بعث عراق به ویژه استکبار جهانی، به سرکردگی آمریکا که از استقرار یک نظام اسلامی در ایران وحشت داشتند، کردستان را بهترین مکان برای مبارزه با انقلاب اسلامی انتخاب کرده بودند تا بتوانند مانعی در جهت عملی شدن اهداف انقلاب اسلامی ایجاد کنند.

سایر گروه‌های چپ و الحادی مانند سازمان چریک‌های فدایی خلق که در سایر

مناطق ایران جرأت مخالفت پیدا نکردند، به همراه دمکرات و کومله پایگاه‌های متعددی در کردستان ایجاد کردند. دولت موقت که با اعزام هیأت‌های سه نفره حل اختلاف به منطقه نتوانست کاری از پیش ببرد، سرانجام تسلیم ضد انقلابیون منطقه شد. کردستان به کانونی از جنگ و بحران و تشنج تبدیل شد و بخش زیادی از نیروهای انقلاب که باید صرف بازسازی خرابه‌های بازمانده از نظام پهلوی می‌شد به منطقه اعزام شد و بعد از مدتها با تلاش و مجاهدت این نیروها و دادن هزاران شهید، مسأله کردستان به پایان رسید. به این ترتیب بحرانی که می‌توانست کشور را با مشکلاتی جدی مواجه کند با تدبیر و درایت امام خمینی علیه السلام کنترل و توطئه دشمنان انقلاب اسلامی نقش بر آب گردید. (دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، کردستان و امپریالیسم و گروه‌های وابسته: ۸۰)

یک هفته بعد از حوادث کردستان، گروه‌های چپ، همزمان گنبد و ترکمن صحرا را آماج آشوب‌های خود قرار دادند. آنها با دامن زدن به قومیت ترکمن و اختلافات مذهبی، زمینه مناسبی برای مخالفت با جمهوری اسلامی در این منطقه ایجاد کرده بودند. مذاکرات بین دولت و گروه‌های چپ راه به جایی نبرد (کیهان، ۱۳۵۸/۱۲/۱۵) و با آغاز درگیری گسترده بین نیروهای وفادار انقلاب اسلامی و گروه‌های ضد انقلاب، این مسأله هم به دست فرزندان مؤمن و متعهد انقلاب اسلامی سرکوب و منطقه بعد از چند ماه به کنترل کامل درآمد.

ب) گروهک حزب خلق عرب

منطقه دیگری که مورد توجه ضد انقلابیون و استکبار جهانی قرار گرفت، خوزستان بود که با سوء استفاده از اختلافات زبانی و نژادی می‌خواستند خوزستان را مانند کردستان آماج توطئه‌های خود قرار دهند. گروهک حزب خلق عرب به رهبری شیخ شبیر با کمک رژیم بعث عراق، حرکت تجزیه‌طلبانه خود را آغاز کرد. (معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در

نیروی مقاومت بسیج، دولت اسلامی: (۳۷)

اوج درگیری در اواخر بهار ۱۳۵۸ در خرمشهر اتفاق افتاد که نیروهای نظامی اعم از کمیته انقلاب اسلامی سپاه و ارتش وارد عمل شدند و با گرفتن سلاح آشوب‌طلبان و دستگیری تعدادی از آنان، نیروهای انقلاب بر اوضاع مسلط شدند و امید دشمنان بار دیگر ناکام ماند.

ج) گروهک حزب خلق مسلمان

آذربایجان و به ویژه شهر تبریز که همواره از اسلام و ایران، دفاع به یاد ماندنی داشتند که نمونه آن، قیام یک پارچه در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ بعد از قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ قم بود، به عنوان یکی از مراکز توطئه علیه جمهوری اسلامی انتخاب شد. عده‌ای نادان و وابسته به قدرت‌های شرق و غرب در اطراف آقای شریعتمداری تجمع کرده‌اند و در اواسط سال ۱۳۵۸، حزب خلق مسلمان را تأسیس کردند تا در سایه این حزب به شورش‌های خیابانی در شهر تبریز و قم بپردازند. در اوایل مردادماه ۱۳۵۸، تعدادی از افراد حزب خلق مسلمان به ژاندارمری شهر تبریز حمله و تعدادی از نیروهای مستقر در آن را خلع سلاح کردند. حزب خلق مسلمان مدتی بعد خواستار تعلیق انتخابات مجلس خبرگان شد و رفته رفته شهر، کنترل خود را از دست می‌داد. در همین زمان با تلاش فراوان شهید آیت‌الله مدنی، امام جمعه شهر تبریز توطئه‌ها یکی پس از دیگری خنثی و شهر دوباره به کنترل نیروهای انقلاب اسلامی درآمد. (معاونت سیاسی نمس، مجموعه مقالات دولت اسلامی: ۳۷)

به دنبال شورش‌های تبریز، در شهر قم تعدادی از وفاداران به آقای شریعتمداری به برخی از مراکز دولتی حمله کردند که با پایمردی علما و نیروهای وفادار به انقلاب اسلامی، از ادامه درگیری‌ها جلوگیری شد. آقای شریعتمداری وقتی با مخالفت‌های زیاد مردم مسلمان سراسر کشور مواجه شد، سرانجام به غیرقانونی بودن حزب خلق مسلمان

رضایت و آن را بدون پشتوانه گذاشت. (کیهان، ۱۳۵۸/۱۰/۱۵) به این ترتیب توطئه‌های این حزب با دستگیری و محاکمه سران آن برچیده شد.

د) سازمان مجاهدین خلق (منافقین)

یکی از گروهک‌هایی که با پیروزی انقلاب اسلامی، به مخالفت علنی با آرمان‌ها و اندیشه‌های انقلاب اسلامی برخاست، سازمان مجاهدین خلق ایران (منافقین) بود. این گروه که در شهریور سال ۱۳۴۴ با جدا شدن از نهضت آزادی در صحنه سیاسی ایران ظهور کرد، ابتدا اسلام را برای مبارزه با رژیم پهلوی برگزیدند. آنها که از اسلام جز برای رسیدن به مقاصد التقاطی خودشان بهره نمی‌گرفتند، سرانجام در سال ۱۳۵۴ با کشتن تعدادی از اعضای خود مانند مجید شریف واقفی که مدافع اسلام بودند، به تغییر ایدئولوژیک تن داده و عملاً از مدافعان اندیشه مارکسیستی در ایران شدند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی این سازمان به مخالفت با اندیشه‌های اسلامی انقلاب برخاست و در ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ با اعلام قیام مسلحانه ضد جمهوری اسلامی، وارد فاز برخورد نظامی با نظام اسلامی ایران شد. امام خمینی علیه السلام که از همان ابتدای قیامش با این تفکر به مخالفت برخاسته بودند، توانست با سخنان روشنگرانه خود، طومار هر چند سست این گروهک را برچیند و به غائله آفرینی آنها در داخل خاک ایران پایان دهد. اعضای رده بالای سازمان منافقین ابتدا به کشورهای اروپایی و سرانجام در سال ۱۳۶۴ در اوج جنگ تحمیلی صدام ضد ایران، وارد عراق شدند و به حمایت از رژیم بعث عراق پرداختند.

البته با مرگ صدام و نابودی رژیم بعث در عراق، امروزه این سازمان به وضع فلاکت‌باری دچار شده است و کمتر کشوری به آنها روی خوش نشان می‌دهد، جز آمریکای غارتگر که می‌خواهد از آنها برای ضربه زدن دوباره به جمهوری اسلامی استفاده کند. این گروه همواره بعد از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از منفورترین گروه‌ها در نزد

ملت رشید و مسلمان ایران بوده است.

ه) نهضت آزادی

این گروهک در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۰ با تکیه بر اندیشه دکتر محمد مصدق (ملی‌گرای دوره ملی شدن نفت) اعلام موجودیت کرد. نهضت آزادی که با قیام امام خمینی علیه السلام در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ غافلگیر شده بود، ابتدا با اعلام حمایت از امام خمینی علیه السلام سعی کرد، نهضت سراسری مردم مسلمان ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام، بزرگ مرجع زمان را در جهت خواسته‌های خود مصادره کند، ولی با تدبیر امام علیه السلام در مقاطع گوناگون مبارزه، آنها از رسیدن به مقاصد خودشان که همراهی با سلطنت پهلوی و غرب بود، ناکام ماندند. حضور حضرت آیت‌الله طالقانی در این گروهک در ابتدای شکل‌گیری نیز نتوانست برای آنها چندان مشروعیت ایجاد کند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نهضت آزادی با ورود به کابینه مهندس بازرگان، به صورت رسمی تلاش کردند که از رسیدن جمهوری اسلامی به اهداف خود یعنی حاکمیت دین مقدس اسلام جلوگیری کنند. آنها با شکست و استعفای دولت موقت، به فعالیتشان ادامه دادند و بعد از فاجعه هفتم تیر سال ۱۳۶۰ که تعداد زیادی از یاران امام علیه السلام به شهادت رسیدند، رفته رفته نیروی طرفدار آمریکا شناخته شدند و تقریباً تمام کرسی‌های حکومتی را از دست دادند.

امام خمینی در بهمن سال ۱۳۶۶، در پاسخ به نامه آقای علی‌اکبر محتشمی وزیر کشور آن زمان با صدور اطلاعیه‌ای با غیرقانونی خواندن این گروهک به مشروعیت غیر واقعی این گروه خاتمه دادند (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، مجموعه آثار یادگار امام علیه السلام، ج ۱: ۶۳) و از آن زمان آنها با طرفداری از غرب، به صورت غیر قانونی کارشان را ادامه دادند.

۳. تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ایران

آمریکا که با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، یکی از نظام‌های طرفدار خویش را در منطقه حساس خاورمیانه از دست داده بود، از همان اوایل پیروزی انقلاب اسلامی با سوء استفاده از سفارت خویش در ایران دست به توطئه‌های گوناگون زد. (غضنفری، آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران: ۴۶۹) موضع‌گیری خصمانه آمریکا ضد انقلاب اسلامی و اقدامات همه جانبه آن کشور اعم از سیاسی، اقتصادی و نظامی ضد حکومت نوپای جمهوری اسلامی ایران، موجب گردید که دولت و ملت ایران و رهبری انقلاب اسلامی، آمریکا را به عنوان اصلی‌ترین تهدید برای خود در جهان بدانند و برای مبارزه با آن، اقدامات تلافی‌جویانه انجام دهند که مهم‌ترین آن تسخیر سفارت آمریکا در تهران بود که در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ شکل گرفت. (تهامی، حیات آمریکا در قبال ایران طی دوره جنگ تحمیلی: ۸۶)

دستگیری اعضای سفارت آمریکا در تهران، اولین و مهم‌ترین رویارویی جدی ایران و آمریکا در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی بود. این حادثه بر پرستیژ و هیبت بین‌المللی آمریکا به شدت خدشه وارد کرد و موج ناکامی‌های این کشور را در ایران تکمیل کرد. پناه دادن به شاه توسط آمریکا، حمایت از ضد انقلابیون فراری، توطئه در مناطق گوناگون کشور از جمله دلایل تصرف سفارت‌خانه آمریکا در تهران بود. به اعتقاد بسیاری از نویسندگان دنیا، تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ایران، در استقرار نظام جمهوری اسلامی بسیار مؤثر بود.

۴. جنگ تحمیلی

شکست توطئه‌های داخلی و خارجی در ایران اسلامی سبب شد که دنیای استکبار به زعم خود آخرین حربه ضد جمهوری اسلامی را به کار گیرد و صدام حسین را برای جنگ با ایران تحریک کند؛ جنگ تمام عیاری که در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد. دشمن تا دندان مسلح توانست کمتر از چند روز به مناطق زیادی در جنوب و غرب ایران دست پیدا کند.

امام خمینی علیه السلام که از همان آغاز شروع جنگ به توطئه دشمن برای براندازی جمهوری

اسلامی پی برده بود، در پیامی اعلام داشت:

آمریکا با ایادی مرموز و جنایتکارش، چنان خون مردم بی‌پناه را می‌مکد که گویی در جهان هیچ کس جز او و اقمارش حق حیات ندارند. ایران که خواسته است از هر جهت با این شیطان بزرگ قطع رابطه کند، امروز گرفتار جنگ‌های تحمیلی است. آمریکا عراق را وادار نموده است خون جوانان ما را بریزد... بدانید که ما با عراق جنگی نداریم و مردم عراق پشتیبان انقلاب اسلامی ما هستند. ما با آمریکا در ستیزیم و امروز دست آمریکا از آستین دولت عراق بیرون آمده است. به امید خدا این ستیز تا استقلال واقعی ادامه دارد که بارها گفته‌ام ما مرد جنگیم و تسلیم برای مسلمانان معنا ندارد. (امام خمینی، صحیفه نور: ج ۱۳، ۲۱۲ و ۲۱۳)

طرح شعار نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی، برای اولین بار از سوی یکی از کشورهای مهم دنیا و دست رد به سینه نظام دو قطبی دنیا یکی دیگر از عوامل مهم در تهاجم سراسری عراق بود. صدام در این جنگ با بهره‌گیری از دوازه لشکر به ایران اسلامی حمله کرد. (جعفری ولدانی، تحولات مرزها و نقش ژئوپلیتیک آن در خلیج فارس: ۱۹) در اولین روزهای جنگ، ده‌ها هزار تن از نیروهای وفادار به انقلاب اسلامی به صورت داوطلب به همراه سایر نیروهای نظامی جمهوری اسلامی به جبهه‌ها سرازیر شدند و با عملیات‌های گوناگون در طی هشت سال که دفاع مقدس نام گرفت توانستند با بیرون کردن عراق از سرزمین اسلامی ایران، تمام قدرت‌های سلطه‌گر را در آخرین توطئه ضد ایران ناکام بگذارند تا پایان یک دوره سخت، طولانی و طاقت‌فرسای توطئه‌های دشمنان اسلام و ایران را در سال ۱۳۶۸ شاهد باشیم.

البته موانع جدی دیگری نیز برای استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران وجود داشت؛ مانند توطئه بنی‌صدر، اولین رئیس جمهوری اسلامی ایران، کودتای نوژه، غائله آمل در سال ۱۳۶۰ که توسط گروهی ملحد و تروریستی برای تسلط بر این شهر صورت گرفت و ترورهای کور سال‌های ۱۳۶۰ که به شهادت بسیاری از وفاداران انقلاب اسلامی به ویژه

شهید بهشتی، شهیدای هفتم تیر و شهیدای محراب مانند شهید آیت‌الله مدنی، شهید دستغیب، شهید قاضی، شهید صدوقی و شهید اشرفی اصفهانی منجر شد. در تمام این بحران‌ها، درایت و هدایت پیامبر گونه امام خمینی علیه السلام توانست تمام آنها را ناکام بگذارد تا انقلاب اسلامی به تثبیت برسد و رشد و توسعه در سراسر کشور آغاز شود.

نتیجه

در این مقاله، نویسنده در صدد پاسخ به این سؤال بود که برای استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، چه فعالیت‌هایی صورت گرفت و چه موانعی پشت سر گذاشته شد؟ به همین سبب، بحث را در دو سطح فعالیت‌ها و موانع، مورد مطالعه و بررسی قرار داد. آنچه که در مسیر استقرار نظام صورت گرفت به برگزاری انتخابات گوناگون، تشکیل نهادهای مردمی، تصویب قانون اساسی، تنظیم سیاست خارجی بر اساس معیارهای اسلامی، اصلاح سیستم اداری کشور، فعالیت در جهت فقر زدایی و مبارزه با فساد و تبعیض، توسعه فرهنگ انقلاب اسلامی، استقرار رویه سیاسی، قضایی و اقتصادی، صدور انقلاب اسلامی و فعالیت جدی در سازمان‌هایی نظیر کنفرانس اسلامی و اوپک، انجامید. البته در مسیر استقرار نظام جمهوری اسلامی موانعی چون توطئه‌های دولت موقت و گروهک‌های ضد انقلاب مانند گروه‌های مارکسیستی، حزب خلق عرب، حزب خلق مسلمان، سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و نهضت آزادی در داخل و ناکامی نقشه‌های شوم آمریکا، با تصرف لانه جاسوسی و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به عنوان توطئه‌های هدایت شده از خارج، با مجاهدت نیروهای مؤمن و وفادار به انقلاب اسلامی و با رهبری‌های مدبرانه و عالمانه امام خمینی علیه السلام پشت سر گذاشته شد.

فهرست منابع

۱. آقایی، سیدداوود، *ایران و سازمان‌های بین‌المللی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
۲. اسماعیلی، خیرالله، *دولت موقت*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.
۳. امام خمینی علیه السلام، *در جستجوی راه از کلام امام*، دفتر دهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۱.
۴. _____، *صحیفه نور*، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
۵. _____، *وصیت نامه سیاسی - الهی حضرت امام خمینی علیه السلام*، تهران، نجم‌الهدی، ۱۳۸۷.
۶. امیر احمدی، هوشنگ، *ایران پس از انقلاب*، ترجمه علی مرشدی زاده، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱.
۷. برزین، سعید، *زندگی‌نامه سیاسی بازرگان*، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۴.
۸. تقوی، سید حسین، *انقلاب اسلامی در تئوری و عمل*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی صاحب الزمان علیه السلام، ۱۳۸۰.
۹. تهامی، سید مجتبی، *حیات آمریکا در قبال ایران طی دوره جنگ تحمیلی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۰. جعفری ولدانی، اصغر، *تحولات مرزها و نقش ژئوپلیتیک آن در خلیج فارس*، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۴.
۱۱. حشمت‌زاده، محمدباقر، *چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸.
۱۲. _____، *اجلاس سران اوپک، فرصت‌ها و تصمیم‌ها*، مجله اقتصادی انرژی، نشریه انجمن اقتصادی و انرژی ایران، شماره ۱۳، ۱۳۷۹.
۱۳. خدادادی، محمداسماعیل، *آشنایی با نظام جمهوری اسلامی ایران*، قم، یاقوت، ۱۳۸۱.
۱۴. دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، *بی‌تا، کردستان و امپریالیسم و گروه‌های وابسته*، تهران، انتشارات سپاه.
۱۵. دهقان، حمید، *پژوهشی پیرامون انقلاب اسلامی*، تهران، انتشارات مدین، ۱۳۷۶.

۱۶. زارع، عباس، *آخرین انقلاب قرن*، تهران، انتشارات معارف، ۱۳۷۹.
۱۷. شکوری، ابوالفضل، *فقه سیاسی اسلام*، اصول سیاسی خارجی، قم، بی‌نا، ۱۳۷۵.
۱۸. عمید زنجانی، عباسعلی، *فقه سیاسی*، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶.
۱۹. غضنفری، کامران، *آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، کیا، ۱۳۸۰.
۲۰. فردوست، حسین، *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی*، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۷.
۲۱. فوزی، یحیی، *سازمان کنفرانس اسلامی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
۲۲. کدیور، جمیله، *آمریکا و رویارویی با انقلاب اسلامی*، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۳.
۲۳. لنگرودی، محمدجعفر، *ترمینولوژی حقوق*، چاپ چهارم، تهران، کتاب‌نامه گنج دانش، ۱۳۶۸.
۲۴. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، *مجموعه آثار یادگار امام علیه السلام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام علیه السلام، بی‌تا.
۲۵. محتشم دولتشاهی، طهماسب، *اقتصاد نفت اوپک و آینده آن*، تهران، انتشارات آذین، ۱۳۷۱.
۲۶. محمدی، سید احسان، *گامی به سوی دولت اسلامی*، تهران، صادق آل محمد، ۱۳۸۴.
۲۷. محمدی، منوچهر، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، دادگستر، ۱۳۷۷.
۲۸. مدنی، جلال‌الدین، *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.
۲۹. معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج، *دولت اسلامی*، تهران، نمسا، ۱۳۸۵.
۳۰. معاونت سیاسی نمسا، *مجموعه مقالات دولت اسلامی*، تهران، نمسا، بی‌تا.
۳۱. معبودی، حمید، *چالش‌های ایران و آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی*، تهران، مرکز دستاورد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
۳۲. وزارت کشور، *مشارکت سیاسی*، احزاب، انتخابات، تهران، نشر سفید، ۱۳۷۸.
۳۳. *روزنامه اطلاعات*، ۱۳۸۷/۱۱/۲۱.
۳۴. _____، ۱۳۵۸/۱/۱۸.
۳۵. *روزنامه کیهان*، فروردین، ۱۳۷۱.

۳۲ □ فصلنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی / شماره ۱۸ / پاییز ۸۸

.۳۶ _____ ، ۱۳۸۸/۴/۷

.۳۷ _____ ، ۱۳۸۸/۴/۲۴

.۳۸ _____ ، ۱۳۸۸/۱۲/۱۵

.۳۹ _____ ، ۱۳۵۸/۱۰/۱۵